خبر

«۲۱ هفته بعد»؛ برنده جشنواره بوسان

بیست و هشتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم بوسان در کشور کره جنوبی به کار خود پایان داد و فیلم کوتاه «۲۱هفته بعد» به کارگردانی نسرین محمدپور موفق به کسب جایزه (Sonje Award) ویژه بهترین فیلم کوتاه آسیایی شد و فیلم کوتاه «عزیز من» ساخته جون دوهی و کیم سوهی از کره جنوبی نیز به صورت مشترک برنده این جایزه نام گرفت. فیلم کوتاه ۲۱هفته بعد، همچون آثار قبلی این کارگردان به مسأله زنان می‌پردازد و این بار به موضوعی مرتبط با مادرانگی اختصاص دارد. بنفشه ریاضی، لیلا حسین زاده، سودابه بهرامی نژاد و پریسا عسگری، بازیگران فیلم را تشکیل می‌دهند. همچنین امسال مستند «کیارستمی مشغول کار است» دومین مستند سیفا... صمدیان درباره عباس کیارستمی، «منطقه بحرانی» ساخته علی احمدزاده محصول مشترک ایران و آلمان در بخش «پنجره‌ای به سینمای آسیا»، «بوف، باغ و نویسنده» به کارگردانی سارا دولت آبادی محصول مشترک ایران، فرانسه و سوئیس در بخش رقابتی مستند، «حرف زدن با رودخانه‌ها» به کارگردانی محسن مخملباف محصول مشترک ایران و بریتانیا و «فهرست» ساخته حنا مخملباف محصول مشترک بریتانیا، افغانستان و ایران در بخش ویترین مستند جشنواره بوسان به نمایش گذاشته خواهد شد. بیست و هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم بوسان ۱۲تا۲۱ مهر در کشور کره جنوبی برگزار شد./ایسنا

زاویه دید

در جشنواره فیلم حیفا چه گذشت؟

بازی وطن‌فروشان در زمین تل‌آویو

۲۹ سال از ساخت فیلم «بازمانده» به کارگردانی سیفا... داد می‌گذرد، اما هنوز هم وقتی می‌خواهیم در بحث‌های سینمایی از یک نمونه شاخص از روایت جنایات رژیم صهیونیستی و مظلومیت مقاومت مردم فلسطین بگوییم، گزینه دیگری پیش‌رو نداریم. اگرچه با نگاهی به نیمه پر لیوان، این یگانگی نشان از درخشش زنده‌یاد داد و ماندگاری فیلم بازمانده دارد، درعین‌حال سویه‌های نیمه خالی لیوان به‌مراتب پررنگ‌تر است و بیشتر خود را نشان می‌دهد. این‌که سال‌هاست با وجود برخی تلاش‌ها نتوانسته‌ایم فیلم‌ها و سریال‌ها و آثار شاخص دیگری در این زمینه تولید کنیم و در خاکریز فرهنگی و هنری هم همپای سیاست‌های کشور و نظام جمهوری اسلامی در دفاع از مقاومت و مظلومیت فلسطین و لبنان و جنایات رژیم صهیونیستی پیش برویم و تاثیرگذار باشیم.

موج تازه جنایات غیربشری رژیم صهیونیستی بر ضد مردم و به‌ویژه کشتار کودکان و زنان غزه، یک‌بار دیگر کم‌کاری عرصه فرهنگ و هنر کشور به‌ویژه در زمینه هنرهای نمایشی و سینما را بیش از پیش به رخ کشید، اما از سوی مقابل اسرائیل همزمان جنگ رسانه‌ای با ایران را در فضای مجازی پیگیری می‌کند، برنامه‌های فرهنگی‌اش را برای جلب‌نظر ایرانی‌ها به‌عنوان مهم‌ترین دشمن خود در جشنواره‌های سینمایی پیش می‌برد و البته با قدرت و صرف هزینه فراوان، در حال تولید فیلم و سریال برای مخاطب جهانی است.

ایران و رژیم صهیونیستی چهار دهه است که به‌صورت مستقیم یا نیابتی در حال جنگ با یکدیگر هستند و در طول این سال‌ها، وضعیت تخاصم میان آنها بین ترور دانشمندان هسته‌ای ایران، جنگ نیابتی و جنگ رسانه‌ای در فضای مجازی و رسانه‌های بین‌المللی در رفت‌وآمد بوده است.

آن‌طور که در گزارش ایسنا آمده، هر دو طرف در این شرایط تلاش کرده‌اند علاوه بر اتخاذ سیاست‌های مختلف درباره یکدیگر، رویکردهای فرهنگی برای تغییر اذهان بین‌المللی را نیز وارد این جنگ کنند. ایران و اسرائیل در این تخاصم، فیلم، سریال و آثار هنری زیادی علیه یکدیگر تولید کرده‌اند و مراسم‌های مختلف بین‌المللی و جشنواره‌های هنری را نیز با تمرکز بر همین آثار برپا یا حمایت می‌کنند. تلاش دو جشنواره بین‌المللی فیلم «حیفا» و «اورشلیم» در سرزمین‌های اشغالی برای جذب آثار ایرانی را می‌توان در همین راستا بررسی کرد و مورد توجه قرار داد.

همین چند روز پیش و از ۶ تا ۱۵ مهرماه بود که سی‌ونهمین جشنواره فیلم حیفا توسط شهرداری این شهر در سرزمین‌های اشغالی و وزارت آموزش‌وپرورش اسرائیل برگزار شد. حضور شش فیلم با عوامل ایرانی یا مرتبط با ایران در این دوره، این رویداد را تبدیل به «دوره‌ای تاریخی» کرد که بیشترین تعداد فیلم «از سینماگران ایرانی یا مربوط به ایران» در آن به نمایش درآمد. همچنین به‌تازگی خبرهایی از ساخت یک فیلم اسرائیلی به‌نام «تاتامی» با کارگردانی مشترک زهرا امیرابراهیمی و گای ناتیو، کارگردان اسرائیلی منتشر شده است که باید دید آیا مانند سریال اسرائیلی «تهران»، بازهم از صحنه‌های فیلمبرداری مخفیانه در ایران بهره برده است یا خیر. سریال جاسوسی تهران را باید نقطه‌عطف برنامه‌ریزی‌های فرهنگی اسرائیل در جنگ فرهنگی با ایران دانست؛ سریالی که با بودجه مستقیم تلویزیون دولتی اسرائیل Kan۱۱ ساخته شد و به رغم ضعف جدی فیلمنامه و کیفیت ساخت در قسمت‌های آغازین، پس از پخش فصل اول در شبکه‌های این رژیم، ناگهان سر از شبکه قدرتمند اپل تی‌وی درآورد. در مقابل این همه فعالیت، همه زور و توان ما در عرصه سینما و تلویزیون، محدود شده به اشاراتی در سریال‌های گاند و سرجوخه و ارجاع و خاطره‌بازی مدام با بازمانده و مجموعه شلختگی مفرط برنامه‌ریزی میان ارگان‌های فرهنگی داخل ایران در تقابل فرهنگی با رژیم صهیونیستی کماکان ادامه دارد.

گفت‌وگوی «جام جم» با افشین صادقی کارگردان فیلم «زنبور کارگر»

دوروی سکه قصاص و بخشش

نسرین بختیاری
گروه فرهنگ و هنر

زنبور کارگر دومین فیلم افشین صادقی در مقام کارگردان بعد از مقلد شیطان است. داستان این فیلم درباره بیوک (سعید آقاخانی) است که سال‌ها پیش زنش را به دلیل اهمال پزشکی از دست داده و خودش نیز در نزاعی کشته می‌شود، حال دخترش درصدد قصاص قاتل اوست. این فیلم از جهت سرپوش گذاشتن روی حقیقت از سوی صاحبان قدرت، به فیلم مصلحت نزدیک است اما هرکدام مسیر خود را در این فیلم طی می‌کنند و همین داستان را متمایز می‌کند. زنبور کارگر روی این موضوع تأکید دارد که هرکسی بابت انجام کارهایش تاوان پس می‌دهد و خداوند تمام پیدا و پنهان را می‌بیند و در نهایت حقیقت نیز آشکار می‌شود. این همان نکته‌ای است که افشین صادقی روی آن تأکید دارد. اکران زنبور کارگر بهانه‌ای شد تا با این کارگردان گفت‌وگو کنیم که در ادامه از نظر می‌گذرانید:

در سرآغاز گفت‌وگو درباره زنبور کارگر، کمی درباره انتخاب این نام توضیح دهید.

نام اولیه این فیلم صبح روز اعدام بود و با همین نام مجوز گرفتیم اما در ادامه تغییر کرد. در پایان فیلم به این اشاره می‌کنیم که از میان زنبورها فقط یکی ملکه می‌شود و بقیه همه کارگر هستند. شبنم مقدمی در این فیلم نقش ملکه را بازی می‌کند و می‌بینیم که اقشار کارگر با ملکه درگیر می‌شوند و به همین دلیل نام زنبور کارگر برایش انتخاب شد.

قصه زنبور کارگر چه ویژگی‌هایی داشت که ترغیب‌تان کرد کارگردانی و تهیه‌کنندگی آن را به عهده بگیرید؟

بعد ساخت فیلم مقلد شیطان، باز به فکر ساخت فیلم بودم و موضوع قصاص به نظرم جالب آمد و به این ترتیب تبدیل به خط اصلی قصه‌ام شد. در ابتدا این داستان در ذهنم بود که دختری مرتکب جرمی می‌شود و واکاوی‌هایی که نسبت به قاتل بودن آن صورت می‌گیرد، ماجرای فیلم را می‌سازد که به نظرم قصه‌ای تکراری آمد. بنابراین در زنبور کارگر به دو موضوع توجه کردم؛ اول این‌که هرچقدر هم پارتی داشته باشی، نمی‌توانی از قصاص خداوند فرار کنی. دوم این‌که خداوند در قرآن می‌فرماید در قصاص حیات است و غربی‌ها روی این موضوع مانور می‌دهند، اما خداوند بخشش را هم توصیه کرده است؛ یعنی به همان اندازه که در آیات قرآن، خداوند با حکم قصاص، سدی مقابل تعرض به جان و مال مردم کشیده، در سوره شوری، به عفو و چشم‌پوشی از خطای خطاکاران سفارش می‌کند. در واقع من دو موضوع قصاص و بخشش را در طرح اولیه باهم آمیختم و در فیلم هم می‌بینید که دختر با وجود نفرت تمامش از قاتل برای قتل پدرش، در اوج قدرت می‌بخشد، چون در بخش‌هایی از فیلم هم می‌بینیم که دختر روی آینه می‌نویسد اگر کسی را بکشم، دیگر آدم سابق نمی‌شوم. از جهتی هم دوست داشتم به این اشاره کنم که از قصاص خداوند نمی‌توانید فرار کنید.

همکاری شما با سعید نعمت‌ا... به عنوان نویسنده چطور رقم خورد؟

سعید مثل برادرم است؛ زمانی که همراه حمید نعمت‌ا... مقلد شیطان را می‌ساختم، سعید را به من معرفی کرد. پس از آن فیلمنامه شطرنج یک نفره را به سعید دادم و نوشت که فیلم بسیار خوبی شد. سعید جزو جوان‌های با استعداد است که چندسالی با هم بودیم و به دلیل این‌که به ایران آمدم و این طرح را نوشتم، با نویسندگان مختلفی صحبت کردم، اما در نهایت قسمت شد با سعید کار کنم.

همکاری شما با بازیگرانی مثل شبنم مقدمی و سعید آقاخانی چگونه رقم خورد؟

سخت‌ترین مرحله فیلم انتخاب بازیگر است؛ چون انتخاب بازیگری که در آن مقطع زمانی مورد نظر شما سر کار نباشد، سخت است. در لحظه‌ای که بودجه یک فیلم فراهم و بعد هم خود فیلم ساخته می‌شود، کاندیداهایی برای بازیگران در نظر می‌گیریم تا این‌که به پیشنهاد سعید نعمت‌اللهی به خانم مقدمی و به پیشنهاد گروه کارگردانی به این بازیگران فعلی و سعید آقاخانی رسیدیم و خوشبختانه زمان‌شان با زمان ما هماهنگ شد. من خیلی راضی هستم و همه به نظرم سر جای خودشان و به‌درستی قرار گرفتند.

آیا علت خاصی وجود داشت که لهجه ترکی را برای شخصیت‌ها انتخاب کردید؟

نه؛ برای پیدا کردن لهجه، سعید آقاخانی و علیرضا آرا خیلی تمرین و کار کردند و همان‌طور که می‌دانیم نه سعید و نه علیرضا هیچ‌کدام آذری نیستند. خب، این عمومیت دارد که آذری‌ها میان خودشان آذری صحبت می‌کنند و فقط ستایش موسوی، بازیگر نقش اینجی از طرف مادری ترک‌زبان بود.

لطفا درباره استعدادهای جوان و انتخاب بازیگرانی که اولین تجربه تصویری خود را در کار قبلی و این کار تجربه می‌کنند بگویید.

من برای فیلم‌های «مقلد شیطان» و «شطرنج یک نفره» یک استعداد جوان آوردم و معتقدم در هر فیلمی باید یک جوان هنرمند با استعداد را معرفی کنیم. درحال حاضر هم بسیاری از فیلمبرداران، عوامل گریم و صدا با من تماس می‌گیرند و می‌گویند که اولین کارمان را با شما شروع کردیم و زمانی که اینها را می‌شنوم، خیلی خوشحال می‌شوم. به‌عنوان مثال، برای فیلم «مقلد شیطان» ساره بیات و پردیس احمدیه بار اولی بود که کار می‌کردند. خانم موسوی را یکی از دوستانم آقای مشیری به من معرفی کرد و وقتی تست داد، متوجه شدیم استعداد خوبی دارد و در نهایت برای بازی در فیلم انتخاب شد. در سال ۸۳ برای شطرنج یک نفره نیز آقای مشیری را برای بازی انتخاب کردم و به‌رغم این‌که این فیلم اکران نشد، جوایز خوبی را دریافت کرد.

این فیلم در ظاهر درباره قصاص است، اما همزمان چند موضوع اجتماعی را مانند مشکلات زندگی یک نماینده خانم مجلس، پسری که نمی‌تواند به‌طور مستقل تصمیم بگیرد، کارگرانی که در جامعه کارهای پرخطر انجام می‌دهند و دیده نمی‌شود و بسیاری از مسائل ریز و درشت را مطرح می‌کند. تنیده‌شدن این قصه‌ها کنار هم قطعا شما را با چالش‌هایی روبه‌رو کرده است؛ لطفا در این رابطه توضیح دهید.

شاید باید اعتراف کنم که در آن زمان هیجان داشتم و الان که چند سالی از ساخت این فیلم می‌گذرد از این قصه‌های زیاد کنار هم پشیمانم. با این‌که هدفم این بود که نشان دهم هرکسی در این فیلم تاوان کاری را که انجام داده است می‌دهد. اگر قرار بود این فیلم را الان بسازم، این قدر قصه فرعی به آن اضافه نمی‌کردم. درواقع سعی می‌کردم به اصل قصاص و بخشش توجه و یادآوری کنم که هیچ‌کس نمی‌تواند از قضاوت خداوند فرار کند.

بعضی از منتقدان به لحظه‌هایی که دختر کنار پدر و در آن ارتفاع قرار گرفته و قرار است لحظات دراماتیکی را برای بیننده خلق کند خرده می‌گیرند و با توجه به این‌که فیلم در فضای واقعی قرار گرفته، چنین موضوعی را دور از انتظار و واقعیت می‌دانند؛ چه توضیحی در این رابطه دارید؟

بخش‌هایی که مربوط به حضور بچه روی تاورکرین است، قبل از ساخته‌شدن فیلم بوده است. این شغل تاورکرینی هم برای شخصیت اصلی قصه یعنی سعید آقاخانی قبل از ساخته‌شدن فیلم برایش انتخاب شده بود. همیشه برایم جالب بوده که این رانندگان تاورکرین ساختمان در ارتفاع چطور کار می‌کنند. زمانی که با رانندگان تاورکرین برای ساخت فیلم صحبت کردیم، متوجه شدیم زندگی این افراد خیلی عجیب و غریب است و در مقاطعی از زمان، بچه‌های خود را بالا بردند و بعضی‌ها وقتی آن بالا می‌روند، دو روز همان‌جا هستند و غذای‌شان را هم با خود می‌برند. به‌تازگی آسانسوری کنارشان قرار دادند اما در گذشته ۲۰۰ متر را از راه‌پله‌ها بالا می‌رفتند تا برسند. بنابراین، بودن بچه‌ها در این ارتفاع خیلی منطقی نیست، مواردی بوده که بچه‌ها را با طنابی محکم به خود می‌بستند و بالا می‌بردند، این در حالی است که اتاقی که در آن مستقر بودند، بارها تکان می‌خورد.

علت درشت نشان داده شدن بعضی نماها، مثل مسواک زدن یا پاک کردن ناخن زن کاندید نمایندگی یا شکل نمایش بعضی صحنه‌ها از بالا چیست؟

من برای هر نمایی که انتخاب می‌کنم، توضیحی دارم و سعی می‌کنم دلیلی برای آن داشته باشم. علت این نماهای درشت از زن کاندید نمایندگی، این است که نشان دهم بعضی سیاستمداران چند رو هستند و فکر می‌کنند با دروغ می‌توانند کارشان را پیش ببرند اما سیاست این نیست. در نمایی هم از بالا می‌بینیم که این زن، پسرش را به خاطر جرمی که مرتکب شده، می‌زند و دائم این دروغ که او جرمی مرتکب نشده و از خودش دفاع کرده را به او تلقین می‌کند. علت قرار دادن دوربین از بالا این بود که بگوییم خداوند شاهد و ناظر این ماجراها و دروغ‌هاست، بالاخره دروغ فاش خواهد شد و همه تقاص دروغ‌های‌شان را پس می‌دهند. جایی از فیلم می‌بینیم که یکی از شخصیت‌های اصلی فیلم به شکل ناآگاهانه لپ‌تاپی که صحنه جرم را فیلمبرداری کرده، به شخصی پس می‌دهد که بعدها تبدیل به نقطه ضعف و شروع آشکار شدن دروغ‌ها می‌شود. البته خودم هم قبول دارم که به جای نشان دادن صحنه‌های متنوع باید بیشتر روی این داستان‌ها تمرکز می‌کردم.

با توجه به تمام نقایصی که خودتان هم به آن اشاره کردید، از آنچه روی پرده می‌بینید، راضی هستید؟

بله، راضی هستم و واقعا از آقایان خزایی، سهرابی و ایل‌بیگی تشکر می‌کنم. اصلا انتظار نداشتم بعد از چهار سال که از ساخت فیلم می‌گذرد، اکران شود. این دوستان زحمت کشیدند، نامه نوشتند تا فیلم اکران شود و آنچه لازم بود را حذف کردیم تا قابلیت اکران پیدا کند.

چند دقیقه کوتاه شد؟

حداقل ۲۰ دقیقه. فکر می‌کنم نیاز بود که کوتاه شود، چون ممکن است سرصحنه دیالوگی گفته شود که بعدها متوجه می‌شویم برای اکران مناسب نیست. شاید از ۱۰دقیقه کوتاه‌شده فیلم ناراحت باشم اما وقتی به شرایط جامعه نگاه می‌کنم، مقداری حق می‌دهم. من در زندگی‌ام یاد گرفتم وقتی شروع هرکاری با نام خداوند باشد و او را برای انجام کارهایم شاهد قرار دهم، دیگر نمی‌توانم قضاوت غلط داشته باشم و دروغ بگویم.

برش

بدلکارانی که از ارتفاع ترسیدند

ما که نمی‌توانستیم این صحنه‌ها را بگیریم و برای‌مان خیلی سخت بود، به همین دلیل بچه‌های بدلکار می‌خواستند صحنه‌های مربوط به بالارفتن از تاورکرین را انجام دهند. از لحاظ سختی کار با تاورکرین باید بگویم که شاید بتوانیم یک هواپیما را داخل یک سوله ببریم و پرده سبز بزنیم اما ارتفاع تاورکرین خیلی بالاست و سوله‌ای به این ابعاد نداریم؛ حتی اگر یک قطعه آن را می‌آوردیم، ارتفاع تاورکرین چهار و نیم متر بود و چهار تن وزن داشت، مجبور شدیم از بدلکار استفاده کنیم. برای خود رانندگان حدود ۲۰ دقیقه طول می‌کشید تا بالا بروند، اما وقتی بدلکاران آمدند، دوساعت طول کشید و بی‌سیم زدیم که بیایید برای ناهار اما آنها گفتند ما دو روز فیلمبرداری همین‌جا هستیم، پایین نمی‌آییم و دیگر جرأت پایین آمدن نداریم.

قاب

به حرمت آن چشم‌ها

امروز روز جهانی عصای سفید است. روزی ویژه نابینایان یا به تعبیر روشندلان. از این رو فیلم‌های خوبی در سینمای ایران درباره نابینایان ساخته شده. یکی از این فیلم‌ها «رنگ خدا» به کارگردانی مجید مجیدی است. مجیدی در این فیلم مظلومیت پسر بچه‌ای به نام هاشم (با بازی محسن رضایی) را به تصویر می‌کشد که پدرش او را بار اضافی در زندگی خود می‌شمارد. استیفان هلدن، منتقد فیلم در خصوص این فیلم در نیویورک تایمز نوشت: «رنگ خدا در حد بالاترین درجه وضوحی که یک فیلم ممکن است به‌آن برسد، نشان می‌دهد دارای رسالتی دینی است اما تجربه‌ای ژرف از تأمل در جهان طبیعی را در اختیار ما قرار می‌دهد».

رویداد

یک ایرانی داور جشنواره فیلم‌های ورزشی

محمد طیب، تهیه‌کننده، کارگردان، عضو هیات داوران بخش فیلم‌های اروپایی بیست‌وششمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم‌های ورزشی لیبرک کشور چک شد. جشنواره بین‌المللی فیلم‌های ورزشی لیبرک (لیبرتس) یکی از قدیمی‌ترین و معتبرترین جشنواره‌های فیلم ورزشی در جهان است. این رویداد هر سال در شهر لیبرک در شمال جمهوری چک برگزاری می‌شود. برگزیدگان این جشنواره به جشنواره جهانی فیلم‌های ورزشی میلان که به همت فدراسیون بین‌المللی فیلم و تلویزیون ورزشی برگزار می‌شود، معرفی می‌شوند. مقر در میلان ایتالیاست و بیش از ۱۳۰کشور عضو این فدراسیون هستند. فدراسیون جهانی فیلم‌های ورزشی میلان زیر نظر کمیته بین‌المللی المپیک قرار دارد. محمد طیب، عضو رسمی فدراسیون جهانی فیلم و تلویزیون ورزشی و دبیر کمیسیون جشنواره‌های بین‌المللی فدراسیون جهانی فیلم و تلویزیون ورزشی است. وی مدیر امور بین‌الملل سه دوره جشنواره بین‌المللی فیلم‌های ورزشی ایران (از دوره یازدهم تا سیزدهم) بوده است. جشنواره بین‌المللی فیلم‌های ورزشی لیبرک ۲۰ مهر به مدت چهار روز در شهر لیبرک در کشور جمهوری چک برگزار می‌شود./مهر

جشنواره

«چمدان» در جشنواره دریای سرخ

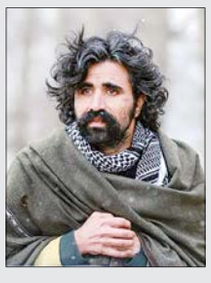

فیلم کوتاه «چمدان» به نویسندگی و کارگردانی آکوزندکریمی‌وسامان حسین‌پور و تهیه‌کنندگی فریبا عرب، موفق به کسب جایزه ویژه هیأت داوران و جایزه دستاورد بصری برای تصویربرداری از جشنواره نومند قرقیزستان شد. جشنواره بین‌المللی فیلم نومند Nomand توسط گروه ارتباطات و رسانه دانشگاه آسیای مرکزی در نارین قرقیزستان برگزار می‌شود. هدف این جشنواره فیلم، فراهم کردن بستری برای فیلمسازان نوظهور است که به توسعه صنعت فیلم در سراسر آسیای مرکزی و فراتر از آن کمک می‌کنند. در این جشنواره چمدان، موفق به کسب جایزه ویژه هیأت داوران و جایزه دستاورد بصری برای تصویربرداری شد. مدیریت تصویربرداری این فیلم کوتاه را حامد بقائیان به‌عهده داشته است. چمدان در ادامه حضور جهانی خود به جشنواره فیلم دریای سرخ در کشور عربستان نیز راه یافت. سومین دوره جشنواره فیلم دریای سرخ، امسال ۹ تا ۱۸ آذر در شهر جده عربستان برگزار خواهد شد. چمدان، راوی داستان مرد مهاجری است که یک بار دیگر، سرزمین خود را از دست می‌دهد./هنرآنلاین